Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 15, No. 3, Fall 2025, 103-129
DOI: 10.21859/priw-150305

A Comparative Study of Turkish and Iranian Foreign Policy in the South Caucasus

Khadije Sanaeiyanzade[1], Mohammadbagher Mokaramipour[2]

Date of Received: 2025/04/05 **Date of Acceptance**: 2025/08/10

Abstract

This study, using the geopolitics of the South Caucasus and how this conflict was formed, seeks to answer these questions: How has Turkey and Iran's foreign policy towards the South Caucasus been shaped? What is Turkey's foreign policy towards the South Caucasus and why does Turkey emphasize supporting Azerbaijan? Why is Iran concerned about Turkey's influence in the South Caucasus and what measures will it take in response? Does Iran have concerns about changes in the regional balance of power in the South Caucasus? South Caucasus Turkey benefits from close relations with the Republic of Azerbaijan and has shown military and diplomatic support for Baku in recent wars, especially the 2020 Nagorno-Karabakh War. The country also seeks to strengthen its position as a transit route for energy resources to Europe. Iran, on the other hand, is keen to maintain its relations with Armenia and prevent the expansion of Turkish and NATO influence in the South Caucasus. The findings of the study suggest that Iran is concerned about the security threats posed by the presence of Turkey and the West in the region and emphasizes the

1. PhD in International Relations, University of Isfahan, Iran, Kh_sanaeiyan1989@yahoo.com

2. PhD in Political Science and Political Studies of the Islamic Revolution, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran. mbmokaramipour@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

importance of maintaining access to transit corridors and its cultural interests in the Caucasus. The foreign policy of Iran and Turkey towards the South Caucasus has been shaped by geopolitical, historical, and strategic interests. Iran has a balanced policy with an emphasis on regional stability, preserving the territorial integrity of countries, and confronting Israeli and Arab influence. Iran has expanded its relations with Armenia, Azerbaijan, and Georgia based on economic and cultural interests. Therefore, the policies of Iran and Turkey in the South Caucasus not only seek to secure their national interests, but are also heavily influenced by regional and global geopolitical and economic competitions.

Keyword: Türkiye, Iran, South Caucasus, comparative foreign policy.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، صص ۱۲۹ – ۱۰۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۳۰۵

بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی

خدیجه ثنائیان زاده[۱]
محمدباقر مکرمی پور[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

چکیده

در این پژوهش با استفاده ژئوپلیتک قفقاز جنوبی و چگونگی شکل گیری این مناقشه در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که خارجی ترکیه و ایران در قبال قفقاز جنوبی چگونه شکل گرفته است؟ سیاست خارجی ترکیه در قبال قفقاز جنوبی چیست و چرا ترکیه بر حمایت از آذربایجان تأکید دارد؟ چرا ایران نگران نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی است و چه اقداماتی در پاسخ به آن اتخاذ می‌کند؟ آیا ایران نگرانی‌های از بابت تغییرات در موزانه قدرت منطقه ای در قفقاز جنوبی دارد؟ قفقاز جنوبی ترکیه از روابط نزدیک با جمهوری آذربایجان بهره‌برداری می‌کند و در جنگ‌های اخیر به ویژه جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰، حمایت نظامی و دیپلماتیک از باکو را نشان داد. این کشور هممچنین به دنبال تقویت موقعیت خود به عنوان مسیر ترانزیتی برای منابع انرژی به اروپا است. ایران، از سوی دیگر، به حفظ روابط خود با ارمنستان و جلوگیری از گسترش نفوذ ترکیه و ناتو در قفقاز جنوبی تمایل دارد. یافته های پژوهش حاکی از این است که ایران نگران تهدیدات امینتی ناشی از حضور ترکیه و غرب در این منطقه است و بر اهمیت حفظ دسترسی به کریدورهای ترانزیتی و منافع فرهنگی خود در قفقاز تأکید دارد. سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال قفقاز جنوبی تحت تأثیر ژئوپلیتیکی، تاریخ، و منافع استراتژیک شکل گرفته است. ایران سیاستی متوازن با تأکید بر ثبات منطقه‌ای، حفظ تمامیت ارضی کشورها، و مقابله با نفوذ اسرائیل و عرب. ایران روابط خود را ارمنستان، آذربایجان، و گرجستان بر اساس منافع اقتصادی و فرهنگی گسترش داده است. بنابراین هم سیاست های ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی نه تنها به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند، بلکه به شدت تحت تأثیر رقابت های ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، ترکیه، ایران، قفقاز جنوبی.

۱. دکتری روابط بین الملل دانشگاه اصفهان، ایران(نویسنده مسئول)، Kh_sanaeiyan1989@yahoo.com
۲. دکتری علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
mbmokaramipour@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

ایران و ترکیه پس از سال ۱۹۹۱ اهمیت راهبردی دوران جنگ سرد را از دست دادند اما پس از فرایند دگرگونی های ژیوپلیتیکی دوران پس از جنگ سرد، به صورت سر زمین های پل مانندی در آمده‌اند که مناطق پر اهمیت دنیا را به هم پیوند می دهند.

قفقاز منطقه ای کوهستانی در جنوب غربی روسیه است که از غرب به دریای سیاه و آزوف، از شرق به دریای از شرق به دریای خزر و از شمال به اراضی پست کوما-مانیچ روسیه و از جنوب با ایران و از جنوب غربی به ترکیه محدود می شود(درج، ۱۴۰۲: ۳۰۰) قفقازجنوبی به دلیل تاریخ طولانی و تأثیرات مختلف فرهنگی،دارای تنوع قومی و زبانی بالایی است. هر کشور دارای فرهنگ، سنت ها و زبان های خاص خود است.این منطقه دارای مناظر طبیعی زیباشامل کوه های قفقاز، دشت ها و دریاچه ها است. کوه های قفقاز به عنوان یکی از بلندترین رشته کوه های اروپا شناخته می شوند(جباری و همکاران، ۱۴۰۴: ۷۸). همچنین این منطقه در کنار دریای خزر واقع شده که برای ایران دارای اهمیت استراتژیکی بوده و از نظر موقعیت جغرافیایی و منابع و همچنین ترانزیت انرژی از اهمیت و ارزش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی برخوردار است(الماسی،۱۴۰۱: ۱۱۶).

قفقاز جنوبی همیشه دارای اهمیت بوده است. در طول تاریخ نیز این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیکی یکی از مناطق مورد توجه بوده قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بوده است که همواره برای گسترش نفوذ موثر خود در این منطقه تلاش کردند. شرایط حاکم در دروان جنگ سرد و تسلط اتحاد جماهیر شوروی بر قفقاز ، باعث دوری قدرت‌ها از این منطقه گردیده بود. اما فروپاشی شوروی تغییرات و فضای امنیتی نوینی را برای کشورهای منطقه قفقاز از مناطق پیرامون آن به ارمغان آورد. قفقاز جنوبی به عنوان پلی بین اروپا و آسیا عمل می‌کند و هچنین به خاطر منابع طبیعی غنی، از جمله نفت و گاز، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. ترکیه به دنبال افزایش نفوذ خود در قفقاز جنوبی به عنوان یک قدرت منطقه به شمار می‌رود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، علیرغم شکل‌گیری سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در قفقاز جنوبی، این منطقه کماکان به صورت واحدی یکپارچه در امنیت و منافع همسایگانش از جمله ایران ، ترکیه و روسیه در سیاست بین الملل ایفای نقش می کند.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژیوپلتیکی منطقه قفقاز جنوبی تغییر یافت و به یکی از بی ثباتی‌ترین مناطق جهان با خلاء قدرتی تبدیل شد و به صحنه کشمکش بین بازیگران منطقه‌ای و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

فرا منطقه‌ای تبدیل گردید و این موجب گردید که امنیت همکاری جویانه در قفقاز با موانع و مشکلاتی چون، اختلافات سیاسی، و ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی مختلف در منطقه، اختلافات و رقابت کشورهای منطقه‌ای با بازیگران فرامنطقه‌ای، توزیع نابرابر قدرت در سطح منطقه عدم توزان بین کشورهای مختلف، عدم اعتماد و اطمینان کشور ها نسبت به یکدیگر، رقابت قدرت‌های فرا منطقه‌ای بر سر منابع و انتقال انرژی؛ وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به بازیگران فرا منطقه‌ای؛ بلوک‌های متعارض قدرت و اتحادهای نظامی متضاد روبرو گردد.

منطقه قفقاز جنوبی از جایگاه و منزلت بالایی به دلایل، قرار گرفتن قفقاز در اولویت سیاسی خارجی کشور ایران به دلیل مجاورت با دریای خزر؛ داشتن اهمیت و ارزش ژئوپلیتیک و ژیواکونومیک منطقه قفقاز است.

با افول گفتمان کمالیستی و ظهور اسلام‌گرایان در سال ۲۰۰۲، شاهد تغییرات اساسی در رویکرد سیاست خارجی جدید ترکیه بوده‌ایم. در رویکرد جدید ترکیه،سعی بر این شده تا موزانه‌ای در رابطه غرب و روسیه به وجود آید و تمرکز کمتری بر مسائل امینتی وجود داشته است.

در این مقاله تلاش شده به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست خارجی تطبیقی ایران و ترکیه در قبال قفقاز جنوبی پرداخته شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیشنه تحقیق

مقاله احسان جعفری و فرحبیب الله ابوالحسن شیرازی(۱۴۰۱) با عنوان " سیاست خارجی ترکیه در بحران قره باغ از منظر قدرت هوشمند" به دنبال پاسخ به این پرسش بود که که راهبردهای عمده سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ برای نفوذ در فقفاز جنوبی از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به سوال فرضیه مقاله بیانگر آن است با در نظر گرفتن مبانی قدرت هوشمند(قدرت و قدرت سخت نرم) و ملاحظه سه بازه زمانی قبلی، حین و بعد از جنگ فرضیه مقاله این است که ترکیه بعد از یک صد سال دوری از منطقه قفقاز جنوبی با نگاه فرصت محورانه به بحران قره‌باغ تلاش داشته است تا بدون ورود مستقیم به جنگ ترکیبی از سیاست‌های سخت شامل تقویت قدرت نظامی آذربایجان و سیاست‌های نرم متکی بر هویت قومیتی و نژادی دو کشور را برای نفوذ بکار گیرد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان(۱۴۰۱) نوشته پیمان حسینی و همکاران در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ماهیت سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی به خصوص جمهوری آذربایجان چگونه است؟. این بررسی نشان داد که، همکاری علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ژئوپلیتیک بین دو کشور از رونق کافی برخوردار نبوده است و سیاست امنیتی ایران بر پایه منافع و ملاحظات ژیوپلیتیکی، اقتصادی، بر اساس موزانه سازی برون گرا، دفاع فعال و تعامل و حضور مؤثر و مقتدر و راهبردی امنیتی به هم پیوسته می‌باشد.

مقاله محمد جواد ارجمند(۱۳۹۴)بررسی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که رقابت ایران و ترکیه چه ابعادی دارد ؟ جهت گیری سیاست خارجی این دو کشور در منطقه چیست؟ رقابت ایران و ترکیه سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. ایران به قفقاز جنوبی رویکرد منطقه‌ای دارد؛ اما ترکیه با نگرشی فرا منطقه‌ای و در راستای همکاری با غرب، سیاست‌هایش را در قفقاز پیش می‌رد.

مقاله مهدی فیض اللهی و حسین پور احمد میبدی(۱۴۰۲) بازی حاصل جمع صفر در قفقاز جنوبی(با تأکید بر جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰) درپی پاسخ به این فرضیه مطرح شده که وضعیت حاصل جمع صفر اصل حاکم بر تحولات ژئوپلتیکی منطقه قفقاز جنوبی و میراث ماندگار آن بوده است. این پژوهش تاریخ پیچیده قفقاز جنوبی را با توجه به ژئوپلیتک و مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی آن،ژئواکونومیک و ژنوکالچر، ارزیابی کرده است و پیامدهای آن را برای جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بررسی نموده است. یافته این‌های ای پژوهش نشان داده است که پیامدهای آن را برای جنگ قومی-سرزمینی بوده و مولفه‌های اقتصادی در شکل گیری آن نقش اساسی داشته است.

با بررسی پیشنه این چند پژوهش می‌توان گفت هر کدام از پژوهش‌های مورد اشاره به تحولات قفقاز جنوبی، سیاست خارجی ترکیه و ایران در قبال قفقاز جنوبی از چشم انداز چارجوب نظری مختلف و بیشتر در تحولات بعد از فروپاشی شوروی بررسی کرده‌اند، در این پژوهش به طور مشخص به پاسخ این پرسش می‌پردازیم که سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال قفقاز جنوبی چگونه است و این دو کشور به دنبال چه منفعیت‌های در قفقاز جنوبی (۲۰۲۴-۲۰۱۹)هستند.

چارجوب نظری

رئالیسم یکی از مهم ترین نظریه در روابط بین الملل است که بر اساس آن، کشور ها در سیاست خارجی خود اساساً به دنبال حفظ و تأمین منافع و امنیت خود هستند. این نظریه بر رقابت قدرت‌ها و منافع ملی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

تأکید دارد و کشورها را به عنوان بازیگران عقلانی می‌بیند که در دنیا آنارشی(بدون حکومت واحد) برای مقابله بر تهدیدات و دستیابی به قدرت بیشتر، رقابت می‌کنند. هانز مورگنتا در کتاب(سیاست بین الملل در جامعه ملل)، تأکید زیادی بر قدرت و منافع ملی کشورها، عمدتاً توسط تمایلات و منافع ملی هدایت می‌شود که در نهایت به دنبال تقویت قدرت ملی و امنیت کشور است.طبق نظریه مورگنتا، ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی به دنبال حفظ و تقویت قدرت و امنیت خود هستند. ایران از منظر امنیتی به دنبال مقابله با نفوذ غرب و ترکیه در منطقه است، در حالی که ترکیه به دنبال تقویت روابط با آذربایجان برای گسترش نفوذ خود و مقابله با تهدیدات امنیتی از سوی ایران و روسیه است. دفاع از منافع ملی هر دو کشور در رقابت برای تأمین منافع ملی خود در این منطقه به دنبال ایجاد و حفظ روابط استراتژیک با دیگر بازیگران منطقه‌ای هستند. ترکیه با حمایت از آذربایجان، در تلاش است تا نفوذ خود را در این منطقه نزدیک با ارمنستان تلاش می‌کند تا از گسترش نفوذ ترکیه جلوگیری کند.

از نظر استفان والت کشور ها نه تنها بر اساس قدرت، بلکه بر اساس تهدیدات از سوی دیگر کشورها نیز سیاست های خارجی خود را تنظیم می‌کنند. در این دیدگاه کشورها به دنبال مقابله به تهدیدات امنیتی هستند و هم‌زمان با ایجاد اتحادهایی به دنبال کاهش تهدیدات خارجی می‌روند. طبق نظریه والت، ایران و ترکیه به دنبال کاهش تهدیدات از سوی یکدیگر و دیگر قدرت‌ها هستند. ایران از نفوذ ترکیه در آذربایجان به عنوان تهدیدی برای منافع در این منطقه می‌بیند، در حالی که ترکیه از احتمال نفوذ ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت خود در قفقاز جنوبی نگران است.

اتحادهای منطقه‌ای برای مقابله با این تهدیدات، ایران و ترکیه هر کدام به دنبال تشکیل اتحادهایی با کشور منطقه‌ای(ترکیه با آذربایجان و ایران با ارمنستان) هستند تا قدرت خود را برای برابر تهدیدات خارجی تقویت کنند.

عوامل ثابت ژئوپلیتیک

قفقاز جنوبی به دلیل های ژئوپلیتیکی خود، همواره برای ایران به لحاظ امنیت اهمیت زیادی داشته است. تغییرات ژئوپلیتیکی در قفقزا جنوبی باعث اهمیت مضاعف ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این منطقه شد. به طوری که باید گفت مجموعه ویژگی‌های ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی. تنها عامل مسبب اهمیت فوق‌العاده این منطقه است.نظر به این مهم و با توجه به مطالب پیشین و همسایگی و اشتراکات بین جمهوری اسلامی ایران و منطقه قفقاز جنوبی. عوامل ژئوپلیتیکی این منطقه (اعم از ثابت و متغیر) می تواند بر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ابعاد سیاسی و نظامی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار باشد بنابراین در ادامه به بررسی ویژگی‌های ثابت ژئوپلیتیکی منطقه و تأثیرات آنها پرداخته می‌شود.

الف) موقعیت

بی شک موقعیت را باید یکی از مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیک منطقه قفقاز دانست. واقع شدن در قلب اوراسیا چهارراهی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، همجواری با حوزه دریای خزر،آسیا مرکزی و قدرت‌های مانند روسیه، ایران، ترکیه و همسایگی با خاور میانه از قفقاز موقعیتی استراتژیک و مناسب. این منطقه، هم موقعیت ویژه‌ای جهت نفوذ به همسایگان و مناطق پیرامونی خود بوده و هم موقعیت مناسبی جهت دفاع برای مناطق پیرامونی و همینطور دفاع مقابله در برابر تهاجم همسایگان می‌باشد.

قفقازجنوبی ، موقعیت ممتاز برای مسیرهای حمل و نقل و تجاری مانند مسیرهای انتقال انرژی به شمار می‌رود. در کنار موقعیت استراتژیک قفقاز جنوبی که باعث جلب توجه و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای گشته، برخی مشکلات دیگر مانند محصور بودن در خشکی و باعث وابستگی این جمهوری‌ها به کشورهای دیگر شده است. در بین سه جمهوری قفقاز جنوبی، فقط گرجستان به آب‌های آزاد دسترسی دارد و ارمنستان از این لحاظ بدترین وضعیت را دارا می‌باشد. جمهوری آذربایجان نیز تنها در کنار دریاچه بسته خزر واقع شده است. جمهوری آذربایجان در دریای خزر ساحل دارد که دسترسی این دریا به دریای آزاد از طریق مسیرهای آبی را داخل خاک روسیه است. همجواری این منطقه و جمهوری مزبور با دریا خزر، موضوعی است که به ویژه با توجه به عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و سعی هر یک از کشورهای ساحلی جهت افزایش سهم خود از این دریا، برای امنیت جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت می‌باشد. لذا بررسی عامل توپوگرافی(مرزها) به این مهم پرداخته خواهد شد.

نکته دیگر در خصوص موقعیت این سه جمهوری، چیدمان، موقعیتی آنها است. به طوری که ارمنستان بین ترکیه و جمهوری آذربایجان و گرجستان بین ارمنستان و روسیه فاصله انداخته است و همیت طور همسایگی با قدرت‌هایی(روسیه. ایران و ترکیه) که این سه جمهوری به آنها یا به عنوان حامی و یا عنوان تهدید نگریسته و با آنها دارای اشتراکات می‌باشند. موقعیت هر یک از سه جمهوری این منطقه و هم جواری هر کدام از آنها با دو کشور دیگر که باهم اختلاف دارند و همین طور هم جواری آنها با دولت‌های قدرتمند به نوعی ضعف موقعیتی برای هر یک از آنها محسوب گشته و باعث گرایش سه کشور به سمت قدرت‌های بزرگ شده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با توجه به مطالبی که بیان شد، باید گفت بدیهی است موقعیت این منطقه و کشورهای آن، موقعیت این منطقه و کشورهای آن، موقعیتی بی نظیر است. به رغم محصور بودن دو کشور منطقه در خشکی، واقع شدن در چهارراه شرق و غرب و شمال و جنوب، همسایگی با دولت‌های قدرت‌مند منطقه‌ای مانند روسیه، ایران و ترکیه، موقعیتی مناسب و استراتژیک را برای قفقاز جنوبی رقم زده و حضور و حساسیت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را موجب شده است.

افرزون بر این هم مرزی جمهوی اسلامی ایران با جمهوری‌های که هر یک وابستگی به قدرتی را پیشه کرده و هم‌جواری قفقاز جنوبی و همسایگی کشورهای آن با ایران باعث می‌شود که این منطقه و کشورهای آن موقعیت مناسبی برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته باشند. همسایگی قفقاز جنوبی با ایران و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مانند آمریکاو روسیه، ترکیه، رژیم صهیونیستی و ناتو و نفوذ انها در این منطقه و هم‌جوار شدن شان با ایران ، با توجه به تقابل منافع آنها با جمهوری اسلامی ایران و رقابتی که وجود دارد، می‌تواند به منزله تهدیدی نظامی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. این مهم از موضوعاتی است که مد نظر کشورهای معارض نظام جمهوری اسلامی ایران در قفقاز بوده و شواهد امر نیز دال بر این واقعیات است.

قفقاز همچنین بدان علت برای ایران اهمیت دارد که به عنوان حائلی در مقابل روسیه عمل می‌کند. بین کشورهای این منطقه نیز ارمنستان آهسته آهسته بدل به آن چیزی شده است که کنت والتز از آن با عنوان منطقه«حائل» برای قدرت‌های مسلط در نظام بین الملل نام برد. ایران از ارمنستان به عنوان یک منطقه حائل بالقوه در مقابل قدرت رسیدن آذربایجان در آینده استفاده می‌کند. در طول سالیان اخیر، ارمنستان در مقام متوازن کننده به نفع ایران در منطقه‌ای که قطبی شدن فزانیده در اتحادهای مخالف یکدیگر را تجربه نموده. عمل کرده است(Gresh,2006). البته باید توجه کرد که وجود بحران در منطقه یا تغییر در اتحاد و همگرایی و اتحاد ارمنستان با کشورهای غیر همسو با جمهوری اسلامی ایران. اهمیت آن را به عنوان منطقه حائل از بین می‌برد(Peimani,2005).

اهمیت قفقاز جنوبی برای ایران آن است که مسیری جدا از ترکیه برای صادرات نفت و گاز ایران، به ویژه به اروپای شرقی و غربی فراهم می‌کند. با این حال اغلب این طرح‌ها از تحقق یافتن باز مانده‌اند؛ به ویژه دلیل مخالف مقامات واشنگتن با هر گونه توسعه‌ای که به بهای ارتقای اقتصاد ایران و افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی این کشور در اقمار سابق شوروی حال شود(Pimani,2005;Aslanbay,2013). عدم امکان استفاده از این موقعیت ها به معنای انزوای سیاسی ایران است و از دست رفتن این گونه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

فرصت‌ها را نیز می‌توان به منزله تهدیدهایی بالقوه دانست که در بلند مدت بر ابعاد سیاسی و نظامی امنیت ایران اثر می‌گذارد.

ب) وسعت

به لحاظ وسعت، تمامی کشورهای قفقاز جنوبی از مساحتی کم برخودار بوده و فاقد عمق استراتژیک می‌باشند. هر چند این موضوع به نوعی در تقویت بنیه نظامی و اتحاذ سیاست تهاجمی از سوی آنان تأثیرگذار می‌باشد ولی فی‌النفسه تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران نمی‌شوند. تهدید این عامل از آن جهت است که وسعت کم در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیک. ترسی دائمی را به همراه می‌آورد بر همین اساس جمهوری‌های قفقاز جنوبی، سیاست تکیه به قدرتی بزرگ را پیشنه نموده‌اند؛ و این حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

ج) توپوگرافی

توپوگرافی شامل سه مرزها، ناهموارها و شبکه آب‌ها می‌باشد. در خصوص ویژگی‌های توپوگرافی منطقه قفقاز جنوبی ،تأثیر آنها بیشتر در قالب ناامنی در منطقه و تبعات آن می‌توان مشاهد کرد.

مرزها از جمله مواردی است که د رقفقاز مشکل آفرین و مناقشه‌ساز می‌باشد. درقفقاز جنوبی انواع گوناگون اختلاف مرزی وجود دارد. اختلافاتی که ناشی از مرزهای تحمیلی به جا مانده از شوروی سابق می‌باشد و همچنین قومیت‌هایی که بر این مبنا به اجبار از دیگر جدا شده و هر تحت لوای حکومت جداگانه به سر می‌برند. بارزترین نمونه مناقشه مرزی قفقاز، قره‌باغ است که حتی برخی از محافی ارمنی بر مناطق حائل قره‌باغ نیز ادعایی دارند. ارمنستان با جمهوری آذربایجان بر سر قسمت‌هایی از نخجوان نیز دارای اختلافات مرزی است. همواره محافلی در ارمنستان بوده‌اند که نسبت به قسمت‌هایی از جمهوری آذربایجان و گرجستان ادعاهایی ارضی داشته(کاظمی،۱۳۸۴:۵۲). علاوه بر اختلاف مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان که شمل کلانی دارد؛ در بین دیگر کشورهای قفقاز نیز اختلافات شدید مرزی و حتی ارضی وجود دارد؛ از جمله می توان به اختلاف مرزی جمهوری آذربایجان با روسیه و گرجستان با روسیه اشاره کرد. مواردی مانند اوستیای شمالی و جنوبی، مناطق جدایی طلب آبخازیا، ارجاریا و یا لزگی‌ها از جمله مواردی دیگری هستند که در این خصوص می‌توان به آنها شاره نمود. ریشه این موضوع را شاید بتوان در چارجوب مرزهای اجباری و تحمیل شده از سوی شوروی سابق دانست و بالتبع با توجه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به ریشه تاریخی این مشکل‌ها، حل آنها به راحتی مسیر نمی‌باشد. بحث قومی در این منطقه باعث شده که شاهد مطرح شدن برخی ادعاهایی واهی از سوی بعضی گروه‌هایی افراطی نیز باشیم از جمله در جمهوری آذربایجان که گروه‌های افراطی رادیکال مانند جبهه خلف نسبت به مناطق آذری نشین ایران، روسیه و گرجستان ادعاهایی ارضی دراند(همان: ۵۳).

طبیعی است وجود اختلاف مرزی و ارضی از جمله مواردی ایجاد تنش و ناامنی بوده و گشودن جای دولت‌های دیگر–به غیر سه جمهوری قفقاز - به منزقه را نیز به همراه دارد. به علاوه در مواردی خاصی مانند قره‌باغ، این بحران می‌تواند منبع تهدید امنیت ملی و حتی در شرایط حادتر، تهدید برای سایر کشورها همسایه باشد. البته مهم ترین موضوع در خصوص مرزها که تأثیر مستقیم سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایرات دارد. بحث مربوط به وضعیت حقوق دریای خزر و تعیین مرز در آن می‌باشد؛ مرزهای آبی ما در دریای خزر تعیین نشده است؛ همچنین اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و مالکیت برخی از حوزه‌های انرژی در دریای خزر، رقابت‌های منطقه‌ای و در نهایت، رقابت‌های روسیه و آمریکا، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در نظامی شدن دریای خزر بوده است. نظامی شدن دریا خزر تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که هم بر امنیت مرزهای آبی و خاکی شمالی تأثیر منفی داشته و هم زمینه را برای تداوم و حضور هر چه بیشتر قدرت‌های فرا منطقه‌ای مهیا می‌سازد.

در خصوص مرز، موضوع دیگر قابل اشاره این است که مرزهای این کشور ها را با توجه به محدب بودن و نوع آنها می‌بایست مرزهایی مخاطره آمیز برای این جمهوری‌ها دانست. این موارد ناامنی و بی‌ثباتی را به ارمغان آورده و تکیه به قدرت‌های دیگر را برای غلبه بر این مسائل باعث می‌گردد. از طرفی، وجود مشکل عدم ثبات در مرزها، موضوعی است که باز شدن بیشتر پای روسیه و سایر کشورها را به منطقه موجب گردیده است و این موضوع با توجه به حساسیت روسیه به این منطقه و نیز تضاد ماهوی دولت‌های دیگر تأثیرگذار در منطقه با ایران، عملا به مثابه تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در همین راستا، نکته قابل اشاره دیگر در جایی است که مرز جمهوری آذربایجان و ایران به سمت ایران محدب بوده و ضعف برای جمهوری اذربایجان محسوب می‌گردد. این قسمت که شرق و جنوب شرقی جمهوری آذربایجان بوده و سواحل دریای خزر را نیز در بر می‌گیرد. بیشترین پایگاه‌های نظامی را در خود جای داداه و تراکم پایگاه‌های نظامی جمهوری آذربایجان در این قسمت بیشتر است. در بحث ناهمواری ها، باید بیان داشت که طور کلی وضعیت ناهموارای ها در مناطق مرزی است جمهوری به شکلی است که همواره تقویت توان نظامی آنها را می‌طلبد. مشکل توپوگرافی و وجود مرزهای کوهستانی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

دریایی، خشکی و دروخانه‌ای ، ترکیب نامتناسبی از جغرافیای نظامی را به کشورهای قفقاز جنوبی تحمیل کرده است به گونه ای که این کشورهای کوچک مجبور هستند به تقویت توان نظامی خود همواره توجه نمایند(قدسی،۱۲:۱۳۹۲).البته این ویژگی قفقاز جنوبی ، شاید سه کشور منطقه را به این الزامات وادار کرده و در کنار ویژگی‌های دیگر ژئوپلیتیک آنها جهت بقا به دولت‌های قدرتمندتر وابسته می‌سازد ولی از سوی دیگر، این مشکل برای قدرت‌های منطقه‌ای به عنوان مزیتی برای منطقه محسوب می‌گردد که از آن می‌توانند به عنوان دژی مستحکم و منطقه حائل و مرزی استفاده نمایندو در خصوص موضوعی مانند قره‌باغ نیز به دلیل کوهستانی بودن و اهمیت آن از این جهت می‌باشد که حساسیتی خاص یافته و کماکام لاینجل مانده است.

در خصوص شبکه‌ای آب‌ها، همانطور که اشاره شد مسأله رودخانه‌های مرزی مشکلات ناشی از آنها از جمله موراد بالقوه بحران ساز منطقه می‌باشند که هم بین خود سه جمهوری قفقاز جنوبی و هم میان این جمهوری با همسایگان آنها وجود دارد. شبکه آب‌ها و رودها از جمله مواردی هستند که به اشکال و حالات گوناگون در قفقاز جنوبی باعث اختلاف بوده و می‌توانندتنش‌زا و بحران آفرین باشند (htt://www.geogeaphynetwork.com).اولین حالت آن مربوط به اختلاف نظر دو کشور همسایه در تعیین مرز آبی است . رودخانه‌های قابل کشتیرانی و دریاچه‌های مرزی ناگزیر باید آنها بگذرد. تعیین خطوط می‌تواند موجبات کشمکش میان دو دولت همسایه را فراهم سازد. در قفقاز جنوبی نیز نمونه این مشکل جغرافیایی وجود دارد. در این خصوص می‌توان با اختلافات روسیه و جمهوری آذربایجان در تقسیم رودخانه مزری، ساموی اشاره کرد. رودخانه آلزان بین جمهوری آذربایجان و گرجستان نیز چنین وضعیتی دارد. هر چند هر دو کشور رویکرد شبیه هم داشته و در یک مسیر حرکت می‌کند ولی با توجه به اختلافات ارضی کیان گرجستان و جمهوری آذربایجان این موضوع می‌تواند در آینده تنش‌زا باشد.

حالت دیگر تنش حاصل از عوامل جغرافیایی مربوط به اختلاف دو کشور همسایه در تعیین مکان خط تقسیم آب است. در این خصوص می‌توان به اختلاف جمهوری آذربایجان و ارمنستان در تعیین مکان خط مستقیم آب در کوهستان زنگزور اشاره کرد که تحت تأثیر مناقشه قره‌باغ در زیر خاکستر مانده است.

شکل دیگری اختلافات در این خصوص. مربوط به رودخانه پرپیچ و خم است که مرزی سیاسی میان دو کشور همسایه را تشکیل می‌دهد. برخی رودها در نواحی خشک گاهی مسیر خود را به طور کلی تغییر می‌دهند که این امر در نهایت ممکن است باعث تغییر مرز بین المللی نیز شود؛ و به دنبال آن اختلاف

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نظر بر سر تعیین مرز جدید نیز می‌تواند تنش آفرین باشد(کاظمی،۱۳۸۴:۲۳۷). در قفقاز نیز کم و بیش این مشکل به صورت بالقوه وجود دارد. ضمینه آن، رودخانه ارس است که مرز میان جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان و نخجوان را نیز تشکیل می‌دهد.

عامل دیگر را در این رابطه می‌توان به عنوان عاملی تنش‌زا مطرح کرد. مربوط به رودخانه‌ای که از یک کشور همسایه وارد کشور دیگر می‌شود. نحوه تقسیم آب این دورخانه می‌تواند یک عامل تنش‌زا باشد. در قفقاز جنوبی نیز این عامل تنش‌زا حغرافیایی وجود دارد. رودخانه کورا مثال خوبی برای این موضوع است. روخانه کورا -بزرگترین رودخانه قفقاز - از ترکیه سر چشمه گرفته و پس از عبور از گرجستان و جمهوری آذربایجان به دریای خزر می‌ریزد. گفتنی است رودخانه ایوری میان گرجستان و جمهوری آذربایجان رودخانه آقستافا میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و ردوخانه وروتان میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز چنین شرایطی دراند(همان،۲۳۹).

نکته قابل ملاحظه این است که این موارد را باید به مانند آتش زیر خاکستر دانست چرا که همگی از جمله مشکلاتی هستند که اگر چه به خاطر وجود معضلاتی امنیتی کلان در سایه قرار گرفته اند ولی امکان شعله‌ور شدن آنها همراه وحود دارد.

بر این ساساس به مواقع شرایط توپوگرافی منطقه را باید شرایطی بالقوه تنش‌زا دانست که می‌تواند موجب بحران گردد و با توجه به شرایط این جمهوری‌ها، همین امر عاملی در جعت گرایش آنها به سمت دول دیگر اهم از منطقه به سمت دول دیگر اعم از منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده و حضور این دولت‌ها را در منطقه به همراه دارد.

د) شکل منطقه

در مورد شکل منظقه و جمهوری‌های آن باید بیان داشت که هر سه جمهوی قفقاز جنوبی(به ویژه آذربایجان و ارمنستان) از شکل نامناسبی بر خوردار بوده و در این میان جمهوری آذربایجان علاوه بر شکل نامناسب، دارای دوپارگی سر زمینی بوده و منطقه نخجوان. بروگان آن محسوب می‌گردد. طبیعی است که چنین اشکالی این کشورها را با مشکلات متعدد در خصوص وحدت، یکپارچگی و تأمین امنیت مواجه ساخته و این امر یکی از دلایلی است که باعث توجه به تقویت بینه دفاعی و تکیه این دولت‌های به قدرت بیرونی، جهت غلبه بر مشکلات می‌گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی

سیاست خارجی ترکیه در طی سال‌های اخیر با تغییرات و تحولات فراوانی در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه بوده است که سیاست این کشور در رابطه با قفقاز نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. به طوری که قفقاز جنوبی یکی از اولویت‌های ترکیه در سیاست خارجی بوده است. در ادامه به طور مجزا اصول و اهداف سیاست خارجی ترکیه از زمان روی کار آمدن دولت عدالت و توسعه در قفقاز جنوبی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اصول سیاست خارجی ترکیه(در زمان دولت عدالت و توسعه)

ترکیه در سال‌های اخیر با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه درسیاست داخلی وخارجی خودش تغییر و تحولات زیادی به وجود آورده است. تا قبل از این سیاست غرب‌گرا و تک بعدی در دستگاه دیپلماسی این کشور سایه افکنده بود و ترکیه منافع خود را در رابطه با غرب و عضویت در اتحادیه اروپا تعریف می‌کرد. اما با روی کار آمدن دولت جدید، سیاست خارجی تبدیل به یک سیاست خارجی واقع‌گرا و چند بعدی شد و این دولت توانست ترکیه را از یک کشور نسبتاً ضعیف در روابط بین الملل تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای کند. به طوری که امروزه شاهد گسترده شدن نفوذ و منافع این کشور در عرصه‌ها و مناطق مختلف جهان هستیم. ترکیه امروز در زمینه بیداری اسلامی ، خارومیانه، انرژی . انتقال و گسترش نفوذ به آسیا مرکزی و قفقاز برای خود برنامه‌ریزی دارد.

اصول سیاست خارجی جدید ترکیه را باید در اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبران حزب عدالت و توسعه مخصوصاً شخص داود اغلو دید. در سال ۱۹۹۴، زمانی که داود اغلو در دانشگاه تدریس می‌کرد، کتاب« دگرگونی تمدنی و جهان اسلام» را نوشت. او در این کتاب ادعا می‌کند که جهان بر اساس نظام‌های ارزشی تقسیم‌بندی شده است و اگرچه مسلمانان ممکن است از نظر اقتصادی و فناوری از غرب عقب باشند، ولی از نظر اخلاقی برتر باقی می‌مانند و در نهایت به تمدن تعیین کننده تبدیل می‌شوند. او می‌گوید امت اسلامی باید متحد شوند. این اتحاد در ابتدا از طریق همگرایی منطقه‌ای رخ می‌دهد که مرحله آغازین برای همگرایی اقتصادی بین همه کشورهای مسلمان است(Jenkinz, 2010:33).

داود اغلو سال ۲۰۰۱ دومین کتاب خود را با عنوان عمق راهبردی"Strategic Depth" منشتر می‌کند. در این کتاب او بر خلاف کتاب قبلی خود، بحث از هویت اسلامی ترکیه را کاهش داده و به جای آن بر آنچه که عدم توازن در سیاست خارجی پیشین ترکیه می‌نامد، تمرکز کرده است.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

داود اغلو در این کتاب ادعا می‌کند که، ترکیه به طور گسترده مناطقی از قبیل خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین مناطق پیرامونی خود را نادیده گرفته است. او توصیه می‌کند که، ترکیه نباید خود را در جنبه شرقی اروپا و با نگاه تک‌بعدی به غرب ببیند بلکه باید خود را در مرکز حوزه نفوذ مخصوص ببیند و با کشورهایی که در مجاوریش قرار دارد ورابط نزدیک برقرار کند(Jenkins,2010:35).

اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی(در زمان عدالت و توسعه)

اهداف سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی را به طور کلی می‌توان دو بخش اهداف سیاسی-امنیتی و اهداف اقتصادی تقسیم کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

اهداف سیاسی-امنیتی

الف) گسترش نفوذ در منطقه و یافتن جایگاه مناسب

یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی ترکیه در دوران عدالت و توسعه، چند جانبه‌گرایی در روابط بین الملل و توجه به مناطق پیرامونی می‌باشد. یکی از مناطقی که در این زمان برای مقامات ترکیه اهمیت داشت منطقه آسیا مرکزی و قفقاز بود. از این رو ترکیه تلاش می‌نمود تا نفوذ خود را در این مناطق افزایش دهد. برای رسیدن به این هدف آذربایجان به عنوان کلید دست یافتن ترکیه به این منطقه و منافع آن بود. زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان دو کشور ترکیه و آذربایجان عامل تسریع کننده و مهمی برای ترکیه در جهت توسعه نفوذ در منطقه محسوب می‌شد. از همین رو ترکیه روابط مستحکمی را با این کشور برقرار کرد. امروزه روابط آنکارا-باکو پایدار و رو به گسترش است(kaya,2009:79).

ب) استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی

میزان استفاده از قدرت سخت یا نرم، در سیاست خارجی بیش از هرچیزی بستگی به میزان"امنی شدن" مسائل در حوزه سیاست خارجی بیشتر امنیتی شوند، استفاده از قدرت سخت بیشتر می‌شود بر عکس ، هر چه مسائل در حوزه سیاست خارجی کمتر امنیتی شوند، استفاده از قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی بیشتر می‌شوند. بر علاوه تفاوت عمده‌ای که بین این دو نوع قدرت وجود دارد از وجود نوعی" منطق عمل" ناشی می‌شود که بر رفتار کارگزاران(دولت) حکم فرماست. اگر یک منطق عمل ابزار حاکم باشد، یعنی اگر هدف مجبور کردن دیگران بر محاسبه هزینه- فایده از طریق راهبردی‌های اجبار کننده یا اغنا کننده باشد می‌توان از قدرت سخت سخن گفت و اگر هدف اطمینان از این باشد که دیگران به طور

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

خود کار بر پایه قدرت جذب دیگری، دولت قدرتمند پیروی می‌کند، می‌توان از وجود قدرت نرم سخن به میان آورد(Oguzlu,2007:81).

در ترکیه با توجه به اینکه فرایند مدرن‌سازی و الگوسازی سیاسی خوبی که شکل گرفته است، از جنبه خارجی نتایج خوبی برای این کشور به دنبال داشته است. این الگوسازی به نحوی امروزه توانسته از ترکیه به عنوان کشوری دموکراتیک و در حال توسعه شتابان بسازد و در عرصه قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی، ظرفیت‌های فراوانی را برای این کشور چه در قفقاز و چه در خاورمیانه سایر نقاط فراهم آورد.

یکی از اصلی‌ترین مظاهر قدرت نرم در ترکیه در قفقاز، ارائه الگوی پیشرفت ترکی برای کشورهای این منطقه است که به منظور افزایش حوزه نفوذ سیاسی در منطقه و جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال و الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران طرح‌ریزی شده است. این الگوسازی تا جایی برای ترکیه مهم است که داود اغلو مردم سالاری ترکیه را مهمترین جنبه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی کشورش بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چهره ژیوپلتیکی منطقه قفقاز جنوبی تغییر یافت و به یکی از بی ثباتی‌ترین مناطق جهان با خلاء قدرتی تبدیل شد و به صحنه کشمکش بین بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تبدیل گردید و این موجب گردید که امنیت همکاری جویانه در قفقاز با موانع و مشکلاتی چون، اختلافات سیاسی، و ایدئولوژیک و نظام‌های سیاسی مختلف در منطقه، اختلافات و رقابت کشورهای منطقه‌ای با بازیگران فرامنطقه‌ای، توزیع نابرابر قدرت در سطح منطقه عدم توزان بین کشورهای مختلف، عدم اعتماد و اطمینان کشور ها نسبت به یکدیگر، رقابت قدرت‌های فرا منطقه‌ای بر سر منابع و انتقال انرژی؛ وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به بازیگران فرا منطقه‌ای؛ بلوک‌های متعارض قدرت و اتحادهای نظامی متضاد روبرو گردد.اند و از توازن بین امنیت، آزادی و مردم‌سالاری در کشورش یاد می‌کند. او می‌گوید ایجاد چنین توازن یک کشور اجازه می‌دهد تا در عرصه بین المللی نقشی فعال ایفا کند(Davutoglu,2009:29). در این راستا در عرصه عمل بارزترین نمود قدرت نرم ترکیه را می‌توان در استفاده این کشور از انجمن‌های غیر دولتی، فرهنگی، تجاری و حتی شبکه های ماهواره‌ای مشاهده کرد(عطایی، شکاری و عزیزی۱۳۹۱:۴۵).

ج) اهمیت ژئوپلتیکی منطقه

از لحاظ ژئوپلیتیکی قفقاز منقطه‌ای هم مرز با ترکیه است و این هم مرزی می‌تواند در منافع ترکیه تأثیر به سزایی داشته باشد. از طرفی قفقاز منطقه‌ای است که ترکیه را به دریا خزر متصل می‌کند و همچنین این منطقه راه ورود ترکیه به آسیای مرکزی است و ضمن آنکه پس از فروپاشی شوروی این منطقه به منطقه‌ای حائل میان ترکیه و روسیه از طرف دیگر میان ناتو و روسیه تبدیل شده است . ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلو متر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

با قفقاز مرز مشترک دارد که از جنوب غربی قفقاز را در برمی‌گیرد و علاوه بر مرز زمینی ، ترکیه در دریای سیاه با قفقاز مرز مشترک آبی دارد(افشردی،۱۳۸۱:۲۶۹).

د) اندایشه پان‌ترکیسم و نئوعثمانیسم

زمینه‌های مشترک فرهنگی و زبانی میان اقوام ترک زبان و آذری زبان عاملی در جهت همگرایی و همکاری بیشتر میان ترکیه با منطقه بخصوص با آذربایجان شده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه این حزب ترکیه را به عنوان یک رهبری برای ترک‌زبانان معرفی کرده است و همگرایی و توسعه و روابط میان کشورهای ترک زبان و آذری‌زبان فعالیت گسترده‌ای را شروع کرده است. شعار این حزب اتحاد میان ۲۰۰ میلیون ترک زبان از بالکان تا آسیای مرکزی و قفقاز است(kilinc,2001:37).

یکی دیگر از اهداف بلند مدت و ایده‌ال حزب اندیشه نئوعثمانیسم و رسیدن ترکیه به دوران شکوه و عظمت امپراتوری عثمانی است. در حالی که در دوران کمالیست ها توجه به مناطق سابق امپراتوری عثماتی را مانعی برای ترکیه می‌دانستند. ولی امروزه بسیاری از ترک‌ها دید مثبتی نسبت به امپراتوی عثمانی دارند. به نظر می‌رسد دولت عدالت و توسعه دکترین نئوعثمانیسم را ابتدا در جهت قدرت منطقه‌ای شدن و سپس قدرت جهانی شدن ترکیه طراحی کرده است.(kilince,2001:379). البته با توجه به جغرافیای سیاسی منطقه در ربع اول قرن ۲۱ میلادی سیاستمداران امروز ترکیه به جای احیای ابعاد فیزیکی قدرت و حکومت عثمانی راهبرد گسترش عمق استراتژیک دولت خود را دنبال نموده و همزمان منافع اقتصادی و تجاری کشور از اهمیت راهبردی برخوردار است.

ذ) همکاری با غرب به ویژه آمریکا و ناتو در جهت گسترش به شرق و مهار ایران و روسیه

دولت عدالت و توسعه در راستای سیاست‌های غرب گرایانه خود و همراهی با ایالات متحده آمریکا در قفقاز، به عنوان بازوی منطقه‌ای غرب و آمریکا شناخته می‌شود(کاظمی،۱۳۸۴:۱۲۱). هرچند ترکیه در این دوران تلاش کرد که سیاست خارجی خود را متوازن کند و تنها درچارچوب منافع غرب گام برندارد اما به راحتی می‌توان اذغان کرد که دید غرب گرایانه و همراهی با ایالات‌متحده آمریکا هنوز در نزد دولتمردان این کشور به وضوح دیده می‌شود.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان برای مقابله با بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، حضور آمریکا و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه همکاری ترکیه پررنگ شد. در کنار راهکارهای سیاسی آمریکا برای مقابله با بنیادگرایی و نفوذ ایران و ورسیه، یکی دیگر از راهکارهای این کشور برای مقابله موارد فوق حمایت از الگوی پیشرفت ترکیه برای کشورهای منطقه بوده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

ر) توسعه روابط با آذربایجان و گرجستان و کاهش اختلاف با ارمنستان

با پیروزی حزب عدالت و توسعه و تغییر در سیاست ترکیه به چند جانبه‌نگری و از میان بر داشتن مشکلات به همسایگان، روابط ترکیه با منطقه و بازیگران دخیل در آن نیز تغییرات عمده‌ای داشت؛ که اصلی‌ترین نمود آن توسعه همکاری اقتصادی،سیاسی، فرهنگی و نظامی دو جانبه و چند جانبه و همچنین عادی‌سازی روابط و به صفر رساندن مشکلات مرزی مخصوصاً با ارمنستان بود. تا قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست ترکیه در منطقه قفقاز یک سیاست غربی و حمایت صرف از آذربایجان در مناقشه قره‌باغ بود؛ که این سیاست‌ها در برحسب موارد منجر به تعارضات و بر خوردهایی بین ترکیه و روسیه و از سوی دیگر تیره شدن روابط میان ترکیه و ارمنستان را به دنبال داشت. که با یکدیگر علاوه بر مشکل بر سر قره‌باغ تعارضات تاریخی نیز داشتند. اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه سیاست قفقازی ترکیه نیز متنوع و در دو حوزه سیاسی اقتصادی و اقتصادی سیاست های خود را پیگیری کرد. همکار و همراهی ترکیه در حل مسالمت آمیز بحران‌های منطقه‌ای قره‌باغ، آسیای جنوبی، آبخازیا، توسعه روابط در زمینه‌های مختلف با آذربایجان و گرجستان، تلاش در جهت بهبود روابط با ارمنستان و به صفر رساندن مشکلات با این کشور و همچنین ارائه طرح ۳+۲ که یک رویکرد منطقه‌ای به حل بحران در قفقاز جنوبی داشت نمونه‌ای از این همکاری‌هاست(Torbakof,2008:98)

اهداف اقتصادی

الف) نیاز به انرژی منطقه

امروزه برای کشورهای جهان تأمین مداوم انرژی جز اولویت های استراتژیک محسوب می‌شود. ترکیه نیز با توجه با اینکه جزء کشورهای علاقه‌مند به توسعه شتابان می‌باشد، نیاز روزآفزون به انرژی و تأمین مداوم آن دارد و یکی از مناطقی که می‌توان در تأمین انرژی ترکیه نقش فعالی داشته باشد قفقاز جنوبی است و ترکیه نیز از کشورهای فقیر از لحاظ انرژی محسوب میشود به همین دلیل نیاز مبرم به واردات مداوم نرژی دارد و ترکیه در حال حاضر به طور میانگین سالانه ۶۰ میلیون معکب گاز ار طریق خط لوله شاه نیز از آذربایجان دریاقت می کند که قیمت هر ۱۰۰ متر مکعب گاز در سال ۲۰۰۹ حد اقل ۱۲۰ دلار است(واعظی، ۱۸۷:۱۳۸۹). تأمین امنیت انرژی کشور در بلند مدت و تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی از شرق به اروپا، دو هدف راهبردی ترکیه در زمینه انرژی است. ایران و روسیه به ویژه بعد از دو دسته از شرایط متفاوت تحریم نفتی و بحران اوکراین در این حوزه با ترکیه وارد تقابل شده اند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

سیاست‌های دولت عدالت و توسعه در قفقاز جنوبی

ترکیه و توازن در قفقاز جنوبی

در بیشتر سال‌های قرن بیستم، منطقه قفقاز جنوبی منطقه‌ای فراموش شده برای دیگر نقاط جهان بود و راهبردشناسان و متخصصان ژئوپلیتیک این منطقه را به عنوان سرزمین های داخای اتحاد شوروی قلمداد می‌کردند. ایالات متحده آمریکا نیز سعی داشت به وسیله ترتیبات منطقه‌ای و جهانی ، این قدرت پنهاور را کنترل کند. در این وضعیت، کشورهایی چون ایران، ترکیه و پاکستان به عنوان پایگاه‌هایی مرزی این سیاست اهمیت بسیار داشتند(Aydin,2000). اما فروپاشی اتحاد شوروی این وضعیت را به طور کلی تغییر داد و کشورهایی که در نظم دو قطبی در مرزهایی بین دو قدرت جای داشتند، با موقعیت ژئوپلیتیک جدیدی روبرو شدند. این امر موجب شد که سیاست گذاران خارجی و راهبرشناسان این کشورها سیاست‌های جدیدی در مواجهه با این تغییرات در محیط منطقه و نظام بین الملل اتخاذ کنند(Sandrin.2009,p.3). ترکیه نیز یکی از این کشورها بود که با فروپاشی اتحاد شوروی در فکر ایجاد اتحادیه‌ای از کشورهای ترک‌زبان در منطقه‌ای آسیای مرکزی و قفقاز برآمد. اما فروپاشی اتحاد شوروی همزمان با ایجاد فرصت‌هایی برای ترکیه، چالش‌های اقتصادی و امنیتی نیز برای این کشور به وجود آورد (Ibid,p.8) زیرا موجب به وجود آمدن کشورهایی در منطقه قفقاز شد که علاوه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی، با مشکلات هویتی نیز مواجه بودند. این مشکلات که به شکل بحران قومی و تجزیه‌طلبی قومی بروز کرد، این منطقه را با سه بحران فعال (قره باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی) و بحران‌های خاموش متعدد دیگر درگیر ساخت(Aliriza,2008). سیاست ترکیه در برابر این بحران‌ها و همچنین توسعه نفوذ خود در این کشور، بر مبنای اصل همکاری استوار بود که در دو سطح منطقه‌ای و ورامنطقه‌ای پیگیری می‌شد. در سطح ورامنطقه‌ای. ترکیه محور فعالیت خود را بر پای همکاری با غرای بنا نهاده بود که بر این اساس، همکاری با ناتو و ایالات متحد آمریکا در منزقه در اولویت سیاسا قفقازی این کشور قرار داشت(Ziyadov & Suleymanov,2003). در سطح منطقه‌ای نیزی این کشور اولویت سیاست قفقازی خود را گسترش روابط با جمهوری آذربایجان قرار داد و سعی داشت همکاری خود با این کشور به سطح همکاری‌های راهبردی ارتقا دهد. ترکیه در راستای این سیاست و جهت دستیابی به جمهوری آذربایجان و همچنین کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی، به ناچار سطح روابط خود را با گرجستان نیز افزایش داد که دارای پیوندها و علایق قومی با این کشور بود. سیاست غرب‌گرایی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی منجر به تعارض‌ها و برخوردهایی بین ترکیه و روسیه از یک سو و ایران و ترکیه از سوی دیگر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

می‌شد. در سطح منطقه‌ای نیز حمایت قاطع ترکیه از جمهوری آذربایجان در هنگام بحران قره‌باغ و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان موجب تیره شدن روابط ترکیه و ارمنستان شد که با یکدیگر اختلاف تاریخی نیز داشتند. جهت‌گیری مستقل ترکیه بر اساس تمرکز بر غرب موجب شد ترکیه به صورت غیر مستقیم همراه با جمهوری آذربایجان و گرجستان و همچنین با حمایت ناتو و به ویژه آمریکا ، در مقابل محور ایران، روسیه و ارمنستان قرار بگیرد.

با پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز تحول اساسی صورت گرفت. اساسی‌ترین تغییر این بود که دولتمردان جدید ترکیه سعی کردند رویکرد پیشین خود را به رویکرد چندجانبه‌گرایی در دو سطح منطقه‌ای و ورامنطقه‌ای تغییر دهند. در این رویکرد جدید، ترکیه سعی کرده است به جای تأکید بر محور غرب و حرکت در راستای سیاست‌های ناتو و آمریکا در منطقه، شریک‌های سیاسی خود را در منطقه متنوع‌تر سازد(Ibid,p.6). دولت ترکیه در جهت متنوع کردن سیاست قفقاز خود تلاش کرد همکاری با اتحادیه اروپا ، روسیه و تا حدودی ایران را در حال بحران‌های قفقاز جنوبی و همچنین تأمین امنیت انرژی اروپا توسعه دهد. در اولین گام ، روابط خود را با روسیه در ابعاد اقتصادی ، نظامی، و سیاسی ارتقا داد(Bishku,2009). در طول تاریخ، ترکیه و روسیه همواره رقیب یکدیگر بودند و این رقابت در موضوعات منطقه‌ای در بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز و دریا سیاه ظاهر شده است . این رقابت تاریخی ، با آغاز جنگ سرد و عضویت ترکیه در ناتو تقویت شد. بهبود روابط ترکیه و روسیه باقرارداد گازی سال ۱۹۸۴ بین دو کشور آغاز شد. اما به علت عضویت ترکیه در ناتو ، روسیه همواره به این رابطه تردید نگاه می‌کرد.پایان جنگ سرد نیز با توجه به سیاست‌های غرب-محور ترکیه در مناطق خارج نزدیک روسیه، تأثیر مثبتی بر بهبود روابط دو طرف نگذاشت(Ozertem.2010). اما با پیروزی حزب عدالت و توسعه و تغییر رویکرد ترکیه به چندجانبه‌گرایی و از میان بر داشتن مشکلات با همسایان، این روابط با تغییرات عمده‌ای همراه بود که موجب توسعه همکاری‌های اقتصادی ، نظامی و سیاسی دوجانبه همچنین همکاری‌های امنیتی در مناطق پیرامونی مانند منطقه قفقاز جنوبی شد. عمده‌ترین این همکاری‌ها را در منطقه قفقاز در حوزه امنیت منطقه‌ای می‌توان دید. همکاری و همراهی دو کشور در حل مسالمت‌آمیز بحران‌های منطقه‌ای قره‌باغ، اوستیای جنوبی ، آبخازستان ، آجاریا و همراهی روسیه در فرایند نزدیکی ترکیه و ارمنستان و همچنین طرح ۳+۲ ترکیه ،که رویکرد منطقه‌ای به حل بحران در قفقاز جنوبی داشت، نمونه‌هایی از این همکاری هاست ترکیه در گام بعدی سعی کرد میزان همکاری خود با اتحادیه اروپا را در منطقه قفقاز جنوبی افزایش دهد، که این تحول دو محور امنیت انرژي و حل

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

بحران‌های قدیمی این منطقه ممترکز بود. همزمان با شکل‌گیری راهبرد مسنجم‌تر در اتحادیه اروپا نسبت به همسایه‌های شرقی و به ویژه قفقاز جنوبی، ترکیه نیز برای تسریع روند عضویت خود در اتحادیه اروپا و همچنین تنوع بخشیدن به همکاران منطقه‌ای خود کرد با افزایش استقلال عمل در برابر ایالات متحد آمریکا، به همکاری بیشتر با اروپا در مسائل امنیتی بپردازد(Schulz & Devrim,2009). در حوزه انرژی، ترکیه با ایفای نقش فعال در احداث خطوط انتقال انرژی از دریای خزر به بازارهای اروپا، از طریق خط لوله انتقال گاز باکو-تفلیس-ارزروم، همکاری خود با اروپا سرعت بخشید(Szymanski,2009). در حوزه امنیتی، ترکیه با وجود انتقاد از کم‌کاری گروه مینسک، همکاری با این گروه را در حل بحران قره‌باغ افزایش داد تا در چهارجوب سیاست همسایگی اروپا و نیز برنامه همکاری دریا سیاه اتحادیه اروپا، که برای توسعه امنیت و همکاری اقتصادی منطقه‌ای توسط اروپا تدوین شده بود، به همکاری با اقدام‌های اروپایی بپردازد و همچنین از ادغام هرچه بیشتر ساختارهای نظامی، سیاسی و امنیتی این منطقه در اروپا حمایت کرد(Dervim,2009).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

ایران و قفقاز جنوبی

پیشینه تاریخی: حکومت‌های ایران، همیشه منطقه جنوبی از قلمرو خود دانستند؛ اما این منطقه پس از معاهده گلستان در تاریخ ۳ آبان ۱۱۹۲(۲۵ اکتبر ۱۸۱۳) و عهدنامه ترکمانچی، در ۳۰ اسفند ۱۲۰۶(۲۱ فوریه ۱۸۲۸) از جغرافیای ایران جدا شد. با این معاهده اخیر به جنگ ایران و روسیه در دوره قاچار پایان داد اما دست ایران را تا نزدیک ۲۰۰ سال هرگونه ایفای نقش در این منطقه کوتاه کرد. طی دو قرن اخیر امپراتوی روسیه و جانشین آن-اتحاد جماهیر شوروی- عمده‌ترین تهدید نسبت به امنیت و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شدند و

با این که سال ۱۹۸۹ به این سو روابط بین تهران و مسکو قدری متشنج بود تهاجم نیروهای شوروی به باکو در سال ۱۹۹۰، حمایت روسیه از کمونیست‌ها در تاجیکستان و جنگ سال ۱۹۹۵ در چچن، هر کدام از این موراد می‌توانست سیاست ایران در قبال روسیه را تا حدودی خدشه‌دار کند و حتی ایران قادر بود حرکات جدایی طلبانه مسلمانان منطقه را تشویق کند ولی در همه موارد، رهبران ایران روابط حسنه با روسیه را ملحوظ داشتند. ادموند هرزیگ در کتاب ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق معتقد است: " نباید مانند برخی از ناظرین در مورد ماهیت این روابط مبالغه نمود، و بحث محور مسکو- تهران را پیش کشید. تنها می‌توان به این واقعیت اشاره داشت که دولت‌های روسیه و ایران مبنای برای رابطه مثبت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

و طولانی مدت را ایجاد نمودند. بدون درک در این مطلب تبیین منافع و سیاست‌های ایران در حوزه جنوبی شوروی سابق امکان پذیر نخواهد بود. باید توجه کرد روسیه نیز همانند غرب نگران شیوه نگرایش اسلامی در منطقه است ؛ به همین لحاظ شاید ظاهراً نزدیکی ایران و روسیه قدری عجیب به نظر می‌رسد. اما باید دقت داشت که دیدگاه شوروی سابق و روسیه تهدید واقعی از جانب مجاهدین افغانی و حامیان آنها پاکستان و عربستان- و نه ایران- می‌باشد رهبران روس معتقدند که حضور شان در حوزه جنوبی شووری سابق مانع از گرایش‌های احتمالی ایران در این زمینه خواهد شد. از جانب دیگر، از دیدگاه روسیه، ایران عامل موزانه نفوذ آمریکا و ترکیه منطقه بوده، در عین حال عاملی برای دسترسی به آبهای جنوبی است(هرزیگ ۱۳۷۵ :۱۹-۲۰).

اهمیت قفقاز جنوبی برای ایران

منطقه قفقاز جنوبی از ابعاد متفاوتی برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت است و این منطقه در کنار دریایی خزر واقع شده که برای ایران دارای اهمیت استراتژیکی بوده و از نظر موقعیت جغرافیایی و منافع و همچنین ترانزیت انرژی ار اهمیت و ارزش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خاصی برخوردار است. علاوه بر این، ایران با دو کشور این منطقه یعنی جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان دارای مرز مشترک زمینی است. از نظر تاریخی و فرهنگی نیز ایران با این منطقه دارای پیوند ناگسستنی بوده است. در کنار این عوامل می‌توان اهمیت این منطقه را به عنوان یک مسیر استراتژیک انتقال انرژی با اروپا برای ایران یادآور شد. وجود پیوندهای میان ایران و کشورهای این منطقه در مجموع موجب ایجاد منافع اشتراکی برای طرفین شده است که همکاری و تعامل آنان را ضروری می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۲۰۹ :۱۳۸۹).

اهمیت اقتصادی منطقه‌ی قفقاز برای ایران یکی از بدیهی‌ترین عوامل سیاست‌های منطقه‌ای ایران در این حوزه است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظهور کشورهای جدید بر آثر آن، منجر به ایجاد اقتصادی نوبتی شده است که پتانسیل‌های بسیار بالایی برای همکاری میان این اقتصادیهای نو ظهور و جمهوری اسلامی ایران دارند. به صورت خاص و در مورد منطقه جنوبی، منطقه‌ی آزاد ارس یک فرصت بی‌نظیر را برای ایران در زمینه‌ی فعالیت اقتصادی فراهم می‌آورد. ایران در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۴۵۲،۶۳ میلیون دلار صادرت به به آذربایجان و ۳۲۴،۷ میلیون دلار صادرات به ارمنستان داشته است. به عبارتی مجموعه صادرات ایران به این دو کشور در سال ۲۰۱۹ جمعا ۷۷۷،۳۶ میلیون دلار بوده است که رقم قابل توجهی است. علاوه بر این، دو کشور ایران و آذربایجان دارای زمینه‌های همگرای متعددی هستند

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

که همکاری در بخش صنعت انرژی و انتقال آن از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری میان این دو کشور است. موقعیت متقابل ترانزیتی طرفی نیز از دیگر زمینه‌های همکاری میان دو کشور ایران وآذربایجان دارای زمینه‌های همکاری متعدی هستند که همکاری در بخش صنعت انرژی و انتقال آن از مهم‌ترین زمینه‌های میان این دو کشور است. موقعیت متقابل ترانزیتی طرفی نیز از دیگر زمینه‌های همکاری میان ایران و آذربایجان محسوب می‌شود. آذربایجان بازار تجاری ایران را به بازارهایCIS پیوند می‌زند متقابل یاران مسیر ترانزیتی مناسبی برای آذربایجان است که بازار تجاری خود را به بازارهای حوزه‌ی خلیج فارس پیوند بزند. آذربایجان در بخش صادرات ایران به بازارهای CIS رتبه نخست را دارا بوده است. روابط اقتصادی ایران ارمنستان نیز تابعی از جبر ژئوپلینیکی کشور ارمنستان است که موجب شده است این کشور را به سمت ایران سوق پیدا کند. ایران به دلیل احساس نگرانی از نفوذ فزاینده‌ی ژئواکونومی انتقال انرژی نیز از اهمیت زیادی برای ایران برخوردار است و از زمان استقلال ارمنستان به دلیل رویکرد خاص ایران در بحران قره‌باغ خواستار تعمیق روابط خود با ایران بوده است. علاوه بر این از همان روزهای نخست استقلال، ایران همواره پس از روسیه بزرگترین طرف تجاری ارمنستان محسوب می‌شده است. قرارداد انتقال گاز ایران با ارمنستان نیز نمود این همکارهاست (ولیقلی زاده، ۱۳۹۴ :۱۷۳-۱۶۷).

از نظر سیاسی نیز به وجود آمدن این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چالش‌های عمده ای هم برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. این منطقه از این نظر نیز برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. زیرا تلاش گسترده‌ی کشورهای بزرگ و قدرتمند به منظور کسب نفوذ در این منطقه در قالب بازی بزرگ جدید از پیامدهایی است که می‌تواند منافع ملی و ملاحظات امنیتی ایران را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا دخالت قدرت‌های بزرگ علاوه بر از بین بردن منافع و امکانات، رقابت ها، باعث جانبدارای آنها از گروه‌های رقیب و متخصصان می‌شود و این امر باعث ایجاد تنش و بی ثباتی در منطقه خواهد شد. علاوه بر این، وجود خیل عظیم جمعیت آذری زبان و اقلیت ارمنی در ایران، این موقعیت را به تهدید جدی و آشکار برای امنیت ملی ایران تبدیل کرده است که می‌تواند اثرات مخربی را بر امنیت منطقه‌ای شمال غرربی ایران در بر داشته باشد(غفاری، ویسی نژاد و تقیب پور ۱۳۹۱ :۹۳-۹۲).

بنابراین می‌توان اظهارت داشت که تحولات منطقه قفقاز جنوبی به صورت مستقیم بر جمهوری اسلامی اثرگذار است و بر همین اساس سیاست امنیتی ایران در قفقاز در راهبرد امینت و ثبات در قفقاز وابسته است به طوری که هرگونه ناامنی و بی ثباتی در منطقه مستقیاً بر امنیت ملی ایران اثر بگذارد؛ زیرا نوعی وابستگی متقابل امینتی بین ایران و منطقه قفقاز وجود دارد. بنابراین در شرایط وابستگی امنیتی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

معمای امنیت در قفقاز، ایران در قالب یک راهبرد برد-برد و حاصل جمع مضاعف منافع امینتی خود را از طریق تامین و تضمین امنیت مشترک جستجو می‌کند(دهقانی فیروز آبادی،۱۳۸۹:۲۰۹).

نقش تبعی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی

برژینسکی منطقه اوراسیا را همچون صحفه شطرنجی در نظر می‌گیرد که بازی بزرگی در آن جریان دارد. در این بازی بزرگ، نبود ابتکار عمل سیاست خارجی ایران سبب شده است که روابط دو جانبه تهران با همسایگان قفقاز به شکل گسترده‌ای زیر نفوذ آمریکا و روسیه قرار گیرد. بر این اساس، تغییر در راهبرد تهران نسبت به آمریکا و در پی آن روسیه، پیش شرط توسعه معنا دارد روابط دو جانبه با همسایگان قفقازی است(Atai,2012:133-134). این مسئله در مورد ترکیه نیز تا حدودی درست است. اصلی‌ترین دلیل حضور ترکیه در منطقه، نگرانی آمریکا از بازگشت روسیه و تبدیل شدن دو باره آن به تهدیدی علیه منافع آمریکاست. از دیدگاه غرب، ترکیه می‌تواند کشورهای منطقه را راضی کند که امنیت انتقال انرژی را تأمین کنند. رهبران محلی منطقه قفقاز و سایر همسایگان نیز حضور ترکیه در قفقاز را به عنوان نماینده ایالات متحده آمریکا در نظر میگیرند. ترکیه در عمل به عنوان رابط بین منطقه، با سیاست‌های واقع‌گرای واشنگتن و قدرت نرم اتحادیه اروپا عمل می‌کند(Marketos,2009:95). اما سیاست‌مداران جدید ترکیه این دیدگاه را نمی‌پذیرند؛ زیرا چنین تحلیلی نقش ترکیه را در حدی یک بازیچه در دست بازیگران فرامنطقه‌ای پایین می‌آورد. در ورای سیاست‌های به ظاهر مستقل، اساس سیاست منطقه‌ای ترکیه در قفقاز همراهی با آمریکا و ناتو تا آنجا که می‌توان ترکیه را سبب تروای اروپا و ایالات متحده در منطقه نامید. اگر ترکیه مجبور به انتخاب بین غرب و شرق شود؛ به دلیل برتری‌های بالاتر غرب، به قطع گزینه غرب را بر می‌گزینند. هوشمندی سیاست‌مداران کنونی ترکیه حرکت در مسیری است که مجبور به انتحاب نشوند.

از نظر ایران امینت در منطقه باید توسط خود کشورهای منطقه ایجاد شود. بین المللی کردن مسائل موجود در منطقه، به حل آن کمکی خواهد کرد، ایران مایل به تنظیم معادلات منطقه‌ای به‌دست کشورهای منطقه است؛ اما ترکیه برای کاهش نفوذ روسیه و ایران درپی ایجاد سازوکارهای فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی است. سیاست‌های امنیتی تهران-آنکارا، مستلزم به کارگیری راهبردی ژئوپلیتیکی متفاوتی است. دو کشور برای نفوذ در منطقه در رقابت مستقیم به سر نمی‌برند؛ بلکه هر کدام در مجموعه‌ای از اتحادهای طربق ژئوپلیتیکی قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتیجه گیری

منطقه قفقاز جنوبی همیشه دارای اهمیت بوده است. در طول تاریخ نیز این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیکی یکی از مناطق مورد توجه بوده قدرت‌های برزگ و منطقه‌ای بوده است که همواره برای گسترش نفود موثر خود در این منطقه تلاش کردند. شرایط حاکم در دروان جنگ سرد و تسط اتحاد جماهیر شوروی بر قفقاز ، باعث دوری قدرت‌ها از این منطقه گردیده بود. اما فروپاشی شوروی تغییرات و فضای امینتی نوینی را برای کشورهای منطقه قفقاز از مناطق پیرامون آن به ارمغان آورد. قفقاز جنوبی به عنوان پلی بین اروپا و آسیا عمل می‌کند و هچنین به خاطر منابع طبیعی غنی، از جمله نفت و گاز، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. ترکیه به دنبال افزایش نفوذ خود در قفقاز جنوبی به عنوان یک قدرت منطقه به شمار می‌رود.

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی مشترک با قفقاز، تلاش دارد سنتی خود را حفظ کند؛ اما چالش‌هایی نظیر رقابت ترکیه و نفوذ اسرائیل مواجه است. ترکیه با راهبردی تهاجمی‌تر، به ویژه از طزیق حمایت نظامی و اقتصادی از آذربایجان، جایگاه خود را در منطقه تقویت کرده است. قفقاز جنوبی در صحنه رقابت میان ایران، ترکیه و دیگر قدرت‌ها تبدیل شده که می‌توان بر ثبات منطقه و روابط این دو کشور تأثیرگذار باشد.

سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال قفقاز جنوبی به دلیل موقعیت جغرافیایی و منافع استراتژیک‌شان بسیار پیچیده است. ایران به دلیل همسایگی با آذربایجان و داشتن روابط تاریخی و فرهنگی با این کشورها، به دنبال حفظ ثبات در منطقه و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های خارجی است. ایران همچنین به دنبال تقویت روابط اقتصادی و انرژی با کشورهای قفقاز جنوبی است. ترکیه نیز به دلیل روابط تاریخی و فرهنگی با آذربایجان و تمایل به گسترش نفوذ خود در منطقه، سیاستی فعال و تهاجمی‌تر در قفقاز جنوبی دارد. ترکیه به ویژه در جنگ اخیر قره‌باغ به شدت از آذربایجان حمایت کرد و به دنبال تقویت روابط نظامی و اقتصادی با این کشور است. همچنین ترکیه دنبال تقویت روابط نظامی و اقتصادی کریدورهای حمل و نقل جدید از طریق قفقاز جنوبی به منظور دسترسی به بازارهای آسیای میانه و فراتر از آن است.

و در اخیر این نتیجه گیری هم سیاست های ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی نه تنها به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند، بلکه به شدت تحت تأثیر رقابت های ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی قرار دارند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

الماسی، مصطفی(۱۴۰۱)، سیاست های ایران در قبال بحران قفقاز جنوبی، فصلنامه مطالعات سیاست بین الملل، دوره ۲، شماره ۳، پاییز.

بزرگمهری، مجید، طباطبایی، سید مهدی (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵، فصل‌نامه سیاست خارجی سال سی و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۰-۱۰۹

پورابراهیم، ناصر، گودرزی، مهناز(۱۳۹۰)، باز خوانی منطق‌های امنیتی بازیگران قفقاز جنوبی (مرز پرآشوب)، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز و قفقاز، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰

درج، حمید(۱۴۰۲)، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر قلمروی نفوذ این کشور در منطقه(۱۹۹۱-۲۰۲۲)، مجلّة جغرافیا و توسعة ناحیه ای، سال بیست و یکم، شمارۀ ۳، پاییز ۱۴۰۲، شمارۀ پیاپی ۴۴

جباری، رجات؛ نجف پور، سارا؛ حیدری، نصرت الله(۱۴۰۴)، بررسی سیاست خارجی ترکیه درقفقاز جنوبی؛ تعامل و تقابل با روسیه، نشریه علمي انديشه های نو در علوم جغرافيايي، دوره۳، شماره۷، بهار.

جعفری، احسان، شیرازی، حیب اله ابوالحسن (۱۴۰۱)، سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دروه دوازدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۴۷، زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۴۵-۲۷۱

حسینی، پیمان، مرادی ، عباس، ذوالقدر، مالک (۱۴۰۱)، سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت قفقاز جنوبی با تأکید بر جمهوری آذربایجان، انجمن ایرانی روابط بین الملل

حکیم، حمید، جعفری ولدانی، اصغر (۹۴)، تحولات ژئوپلیتیک قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره۹۱، پاییز ۱۳۹۴

دستنایی، افشین، قره‌بیگی، مصیب(۱۴۰۰)، تبیین کدهای ژئوپلیتیک روسیه در منطقه قفقاز جنوبی بر پایه نظریه زیست‌سیاست، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۴۰۰

عطایی، فرهاد(۱۳۹۰)، ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده، حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان(۱۳۹۱، صفحات ۱۳۶-۱۱۹

عطایی، فرهاد، شکاری، حسن، عزیزی، حمید رضا(۱۳۹۰)، سیاست خارجی دولت«توسعه و عدالت» ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی، فصلنامه راهبرد/ سال بیست و یکم/ شماره ۶۳/ تابستان ۱۳۹۱/ صص ۶۶-۳۷

فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله، شربتی، وحید، مظفری، محمد مهدی (۱۳۹۳)، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه، فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، بهار ۹۴(پیاپی ۴۲)

فیروزی، رضا(۱۳۸۹)، تأثیر روسیه بر روند سیاست خارجی جمهوری‌های قفقاز ، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹

فیض اللهی، مهدی، احمدی میبدی، حسین‌پور(۱۰۴)، بازی حاصل جمع صفر در قفقاز جنوبی(تأکید بر جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰)، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۱۲۳، پاییز ۱۴۰۲

کبریایی زاده، حسین(۱۳۹۰)، تأثیر عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان برئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز ، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کبریایی زاده، حسین(۱۳۹۰)، تأثیر عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان بر ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز ، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰

کوزه‌گری کالجی، ولی(۱۳۹۰)، تاملی نظری بر پویش ملی‌گرایی قومی در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۵، پاییز ۱۳۹۰

گودرزی، مهناز، معبودی انژاد، فرشته(۱۳۹۵)، قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقازؤ شماره ۹۳، بهار۱۳۹۵

منابع انگلیسی

Abasov, Ali(2011), " Regional Security and Conflict Resolution Processes in South Caucasus ", Available in: regnum.rum.ru/1250507.html, Wednesday, February 2nd.

E. Cornell, Svante (2007) , "Azerbaijan and the Karabakh Conflict: International Mediation and Future P. Nixey, James (2010), "The South Caucasus: Drama on Three Stages ", Chapter from, America and a Changed World: A Question of Leadership Thumbnail: May 2010, In: http://www.chathamhouse.orgrospects ", in: International Vision the Armenia -Azerbaijan Conflict over karabakh.

L. Altstadt, Audrey (1992), " The Azerbaijani Turks: Power and Identity under Russian Rule", Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (4) – Spring.

Priego, Alberto (2008), " NATO Cooperation towards South Caucasus ", Vol. 2 (1) – Winter.

Rahr, Alexander (2008), " The Caucasus needs a Rest after the War",Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (4) – Autumn.

Tchantouridze, Lasha (2008), " The Three Colors of War: Russian, Turkish, and Iranian Military Threat to the South Caucasus ", Caucasian Review of International Affairs Vol. 2 (1) – Winter.

Youngs, Richard (2009), " Energy Security ", Europe's New Foreign Policy Challenge, Routledge.

The Military Balance " (2008), The International Institute for Strategic

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۳۰۵

ثنائیان زاده، خدیجه؛ مکرمی پور، محمدباقر (۱۴۰۴)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ترکیه و ایران در قفقاز جنوبی» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۵، ش۳، پاییز ۱۴۰۴، صص ۱۲۹-۱۰۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]